

تبیین جایگاه هجرت در سبک زندگی اسلامی از دیدگاه قرآن

طلعت حسنی بافرانی^۱

طیبه قربانی^۲

مهدی اسمعیلی صدرآبادی^۳

چکیده

هجرت به‌عنوان یکی از آموزه‌های تربیتی در تعالیم قرآنی، در زندگی بشر، پیشرفت علوم و به وجود آمدن تمدن‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. هدف این جستار که با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته آن است که با استناد به آیات قرآن کریم، اهمیت و ضرورت این آموزه قرآنی را در سبک زندگی مؤمنانه نمایان سازد. در این راستا تلاش شده است تا با تأمل در آیات قرآن کریم و با استناد به نظر اندیشمندان شیعه و اهل سنت، از طریق تبیین زمینه‌ها و عوامل هجرت که شامل هجرت برای حفظ دین، طلب علم، انجام فریضه جهاد و کسب رفاه اقتصادی است، و بیان آثار متعدد دنیوی و اخروی که بر امر هجرت مترتب هستند، شامل گشایش روزی و برخورداری از نعمت‌های دنیوی، تقویت ایمان، علو منزلت نزد پروردگار و شمول رحمت الهی، تکفیر سیئات و دخول در بهشت و رستگاری ابدی، به این مهم دست یافته شود.

کلیدواژه‌ها: هجرت، سبک زندگی اسلامی، تفاسیر فریقین، ایده‌آل قرآنی.

۱. استادیار دانشگاه قم (نویسنده مسئول) / t.hasani16@gmail.com

۲. دانشجوی دکترا علوم قرآن و حدیث / t_qurbani@yahoo.com مقاله مستخرج از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد

۳. استادیار دانشگاه حضرت نرجس / esmaeili.sadr@gmail.com

قرآن به عنوان یگانه الگوی زندگی الهی که از دستبرد اندیشه خطاپذیر انسان مصون مانده است، الگویی جامع و کامل برای پیروان خود ترسیم نموده است که این الگو به خاطر الهی بودن و تنظیم شدن از سوی خالق بشر، فاقد ضعف‌ها و کاستی‌های برنامه‌های بشری است. علاوه بر آن، واقع‌گرایانه بوده و با فطرت بشر نیز سازگارتر است. هجرت از موضوعات مهم مطرح شده در آیات الهی بوده و از آن به عنوان ضرورتی اجتناب ناپذیر یاد شده است. قرآن کریم به این حرکت فرهنگی و تمدنی توجه نموده و تکامل رسالت انبیای الهی را با هجرت رقم زده است. در مواردی آن را واجب نموده و برای مهاجران فی سبیل الله پاداش‌های دنیوی و اخروی در نظر گرفته است. سیره مستمر انبیا نیز هجرت بوده و رهبران الهی برای پیدا کردن زمینه‌های مساعد جهت نشر دعوت و ابلاغ پیام خود و یا به خاطر دوری از قدرت‌های شیطانی که سد راه آنان می‌شدند، اقدام به هجرت می‌کردند و این مهاجرت‌ها در طول تاریخ ادیان، سرچشمه برکات فراوانی شده است. در واقع هجرت یک برنامه و دستورالعمل عمومی در سبک زندگی مؤمنانه است؛ به این معنا که هر زمان در طول حیات خود به این برنامه الهی نیازمند شدند، می‌بایست به سرزمین دیگر مهاجرت نمایند. خداوند در قرآن از مهاجرانی که برای کسب رضای الهی و حفظ دین او، از وطن و دیار خود خارج شده و سختی‌ها و مشقّات هجرت را به جان می‌خرند، با اوصاف نیک و پسندیده‌ای چون صبر، صدق، اخلاص، جهاد، ایثار و توکل یاد می‌کند.

با تأمل در سبک زندگی افراد و جوامع می‌توان کیفیت، عمق و گستره نظام باورها و ارزش‌های آنها را به دست آورد و از آنجا که در اسلام اعمال انسان بر اساس آموزه‌های قرآنی استوار است، فهم دقیق بستر هجرت و آثار فردی و اجتماعی آن از منظر قرآن در به‌کارگیری صحیح آن در سبک زندگی معتقدان به قرآن و تصحیح مواضع آنها مؤثر خواهد بود. الگو قرار دادن آموزه‌های اسلام در مورد مهاجرت و مهاجران، در تعیین راهبردهای کلیدی و تصمیم‌های کلان مربوط به مهاجران و امور مختلف زندگی آنان در جوامع تمدنی کمک شایانی خواهد کرد. در فرهنگ قرآنی هجرت ناظر بر دو امر است: یکی خروج از مکانی و رفتن به مکانی دیگر و دوم دور شدن از دیگری با بدن و یا زبان، قلب و دل، که این هجر، با هدف حفظ دین، ایمان و اعتلای کلمه حق است.

هجرت به دو قسم هجرت درونی و هجرت بیرونی یا هجرت مادی و معنوی تقسیم می‌شود. هجرت درونی یا معنوی، دور شدن از عادات و صفات رذیله اخلاقی و کناره‌گیری از گناهان است. چه بسا انسان، جاهل و مفسد و یا بی‌اعتقاد و طاغی بوده، اما پس از گذشت زمان، از شیوه قبلی خود دست کشیده و به مبدأ آفرینش معتقد شود. یک انسان می‌تواند همواره در حال مهاجرت روحی و درونی باشد. به این نوع از هجرت، در آیاتی از جمله آیه پنجم سوره مدثر، اشاره شده است. هجرت بیرونی عبارت است از حرکات ظاهری،



مسافرت و ترک سرزمینی و رفتن به مکانی دیگر که با اهداف و انگیزه‌های متعددی صورت می‌گیرد. این نوع از هجرت در آیاتی از جمله آیه بیستم سوره توبه، آیه ۱۰۰ سوره نساء و آیه ۲۶ سوره عنکبوت مورد تأکید قرار گرفته است. در فرهنگ اسلام، هجرت درونی سرآغازی برای تحول فرد و جامعه، و مقدمه و زمینه‌ساز هجرت بیرونی است و تلازم این دوگونه هجرت، ضامن بقای دین در جوامع اسلامی است (حسینی شیرازی، بی‌تا، ص ۱۱).

اسلام هجرت را در زندگی انسان‌ها یک اصل دانسته است؛ به این معنا که احیا و پرورش شخصیت انسان و مبارزه با یکی از اساسی‌ترین عوامل زبونی و اسارت وی، در گرو آن است؛ چرا که انسان باید به آن میزان از آزادی و حریت دست یابد که نه خود را اسیر و زبون منطقه محل سکونت کند و نه اسیر عادات و عرفیات نادرستی که از سوی محیط بر وی تحمیل می‌شود. در واقع هجرت یک عامل تربیتی است (مطهری، ۱۳۸۴: ص ۱۸۵).

هرچند کتاب‌ها و پژوهش‌های مختلف به آیات ناظر بر هجرت پرداخته‌اند؛ اما اهمیت و جایگاه آن، همچنین عوامل و شرایطی که این فرمان مهم و مؤکد الهی را در سبک زندگی یک مسلمان ضروری می‌سازد، تبیین نشده و در این خصوص پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. منابعی که به مسئله هجرت پرداخته‌اند، غالباً ابعاد تاریخی آن و مسئله هجرت‌های مسلمانان را مورد توجه قرار داده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به منابع تاریخی، چون فروغ ابدیت نوشته استاد جعفر سبحانی، هجرة الرسول و صحابته فی القرآن و السنه از عبدالغنی النجولی الجمل و الهجرة فی القرآن الکریم از احزمی سامعون جزولی؛ و یا در تألیفات موضوعی چون هجرت و جهاد، از استاد شهید مرتضی مطهری و دکتر علی شریعتی اشاره کرد.

مقالات تألیف شده در موضوع هجرت، از جمله «انگیزه‌ها و پیامدهای هجرت در اسلام» از رحمت‌الله عبدالله‌زاده آرانی و یا مقاله «هجرت در قرآن» از سیدمحمد انجوی نژاد نیز موضوع هجرت را از زاویه تاریخی آن و مسئله مهاجرت‌های مسلمانان در صدر اسلام مورد بررسی قرار داده‌اند.

نقطه اتکای مقاله حاضر، هجرت بیرونی است که به‌عنوان یک استراتژی برای ایجاد حرکت اصلاحی اجتماعی در سبک و سیره زندگی انبیا و اولیای الهی قابل مطالعه و بررسی است. در واقع این نوشتار به جهت تبیین جایگاه و اهمیت هجرت در سبک زندگی مؤمنانه سامان یافته است. برای دست یافتن به این مهم، عوامل و زمینه‌هایی که هجرت را در زندگی یک مسلمان ضروری و گاه واجب می‌سازد، مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و در نهایت آثار و فواید آن بیان خواهد شد. به همین جهت پس از استخراج آیاتی که به موضوع هجرت پرداخته‌اند، تلاش شده است تا تفاسیر فریقین مورد مطالعه قرار بگیرد؛ گرچه اکثر تفاسیر متقدم به مسئله هجرت کمتر پرداخته و غالباً به مباحث تاریخی صدر اسلام و یا هجرت‌های پیامبران پیشین اشاره کرده‌اند؛ اما تفاسیر متأخر علاوه بر آن شیوه پیشین، به مسئله هجرت به‌عنوان یکی از دستورات الهی که در



هر عصر و زمانی زنده و پابرجاست، پرداخته‌اند.

۱. مفهوم شناسی

با توجه به اینکه دو واژه «هجرت» و «سبک زندگی» ریال مفاهیم کلیدی پژوهش محسوب می‌شوند، تعریف این دو مفهوم با استناد به منابع معتبر ضروری است.

الف) هجرت

هجرت به معنای افتراق و جدایی، ترک وطن و دوری از خانمان و مفارقت از یاران و دوستان است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۵، ص ۲۳۴۱). برای ماده «هجر» دو اصل ذکر شده که اصل نخست به معنای قطع و دوم به معنای وصل کردن و پیوستن است. چنین گفته می‌شود که آن قوم سرزمینی را برای پیوستن به سرزمین دیگری، ترک کردند؛ همان‌گونه که گفته می‌شود، مهاجران از مکه به سوی مدینه هجرت کردند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۶، ص ۳۴). در فرهنگ قرآنی «هجر» دور شدن انسان از دیگری است با بدن یا با زبان و یا با دل و قلب، که برخی از آیات تنها به یک نوع از آن اشاره داشته و آیات دیگر انواع مختلف آن را شامل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۴۹۹). هجرت در شرع و دین اسلام دارای معانی عامی همچون انتقال از دارالخوف به دارالامن و یا از دارالکفر به دارالایمان و یا دارالاسلام است (عسقلانی، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۱۶) و معنای خاص آن همان هجرت معروف و مبارک رسول اکرم ﷺ و اصحاب ایشان از مکه به سوی مدینه است که سرآغاز فصل نوینی بوده و به‌عنوان مبدأ تاریخ اسلام انتخاب گردید.

مهاجرت^۱ در منابع جامعه‌شناسی نیز غالباً ذیل مباحث توزیع جمعیت و یا جمعیت‌شناسی و پخش شدن منظم و سنجیده در پی حیاتی آسوده‌تر معنا شده است (آگ برن؛ نیم کوف، ۱۳۸۰: ص ۲۷۹).

ب) سبک زندگی

در مورد «سبک زندگی»^۲ تعاریف گوناگونی وجود دارد. دانشمندان علوم مختلف هریک از دیدگاه خود به تبیین مفهوم آن پرداخته‌اند، «میشل سوبل»^۳ سبک زندگی را مجموعه‌ای از رفتارهای قابل مشاهده و معنادار می‌داند که فرد را تعریف می‌کند و بر این باور است که برای تعیین رفتارهایی که شاخص سبک زندگی است، معیارهایی تعیین نشده است (سوبل و رسی، ۱۳۹۵، ص ۵۳) و تقریباً هیچ توافق تجربی یا مفهومی درباره اینکه چه چیزی سازنده سبک زندگی است، وجود ندارد. برخی دیگر نیز برآنند که می‌توان این مفهوم را بسته به موضوعی که مطالعه می‌شود، به شکل‌های مختلف تعریف کرد. تعاریف موجود بر اساس رویکرد

۱ . migration.

۲ . Life Style

۳ . Michael E. Sobel



جامعه‌شناسانه که بیشتر تحت تأثیر اندیشه‌های «گئورگ زیمل»^۱ و «ماکس وبر»^۲ بیان می‌شوند، غالباً نگاه توصیفی دارند و رکن اصلی آنها توجه به رفتارها و نمودهای رفتاری است. در رویکرد روان‌شناسانه که متأثر از آرا و اندیشه‌های «آلفرد آدلر»^۳ است، به ارزش‌ها و هنجارها و ریشه و منشأ رفتارها توجه ویژه‌تری می‌شود. جایگاه این اصطلاح در تعاریف روان‌شناختی، مانند اصطلاح «شخصیت»، «منش» و «هویت» است. رویکرد دین‌شناسانه که چند سالی است مورد توجه دانشمندان و پژوهشگران دینی قرار گرفته است، سبک زندگی را مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته می‌نامد که متأثر از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته‌شده و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی، وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده است (شریفی، ۱۳۹۲: ص ۲۰؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶: ص ۲۰).

با توجه به تعاریف ارائه‌شده و در نظر داشتن هدف اصلی پژوهش حاضر می‌توان گفت که سبک زندگی اسلامی در واقع مجموعه‌ای از اعمال و رفتارهایی است که ریشه و منشأ آنها باورها و ارزش‌ها و نگرش‌هایی است که از فرهنگ دینی ناشی شده و هر دو بعد فردی و اجتماعی زندگی یک مسلمان را دربر گرفته و به‌گونه‌ای نسبتاً پایدار، در زندگی وی حضور داشته است.

۲. عوامل زمینه‌ساز هجرت

الف) هجرت برای حفظ و تقویت دین

واژه هجرت در عرف دینی به معنای کوچ کردن و خروج از یک سرزمین به منظور حفظ و تحکیم مبانی عقیدتی و ایمانی است و بر اساس آیات قرآن، اسلام با صراحت دستور می‌دهد که اگر به دلایل گوناگون نتوانستید به وظایف خود عمل کنید، به محیط و منطقه امن دیگری «هجرت» نمایید. علت این دستور روشن است؛ زیرا اسلام جنبه منطقه‌ای نداشته و وابسته و محدود به مکان و محیط معینی نیست و به این ترتیب، علاقه‌های افراطی به محیط تولد و زادگاه و دیگر علایق مختلف، از نظر اسلام نمی‌تواند مانع از هجرت مسلمان باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۹۰). سید قطب، عشق به زمین و انس و الفت به مکان و روابط خویشاوندی را در شرایطی که انسان از لحاظ دینی در مضیقه قرار دارد، راهی برای نفوذ شیطان خوانده است (سید قطب، ۱۴۱۲: ج ۵، ص ۳۰۴۳).

قرآن مجید در تحریک و تشویق بر هجرت می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ أَرْضُ اللَّهِ أَسْوَءٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾؛ بگو: ای بندگان من که ایمان آورده‌اید، از پروردگارتان پروا بردارید. برای کسانی که در این دنیا خوبی کرده‌اند، نیکی

۱. Georg simmel

۲. Max Weber

۳. Alfred Adler

خواهد بود، و زمین خدا فراخ است. بی تردید، شکیبایان پاداش خود را بی حساب و به تمام خواهند یافت» (زمر: ۱۰).

علامه طباطبایی پس از تبیین آیه بر اساس شأن نزول آن، آیه شریفه را از نظر لفظ عام خوانده و معتقد است که آیه اختصاص به مهاجرت از مکه ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۷، ص ۳۷۱)؛ در نتیجه، آیه در معنای عام بر هجرت از سرزمین کفر، شرک و آلوده به گناه دلالت دارد؛ چرا که هیچ بهانه‌ای برای ترک طاعت خداوند وجود ندارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲۱، ص ۱۵۳). ذیل این آیه مبارکه برخی از مفسران حتی بر وجوب هجرت برای حفظ تقوا حکم کرده‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ج ۲۵، ص ۳۰۲).

در آیه ۹۷ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾؛ کسانی که بر خویشان ستمکار بوده‌اند (وقتی) فرشتگان جانشان را می‌گیرند، می‌گویند: در چه حال بودید؟ پاسخ می‌دهند: ما در زمین از مستضعفان بودیم. می‌گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟» پس آنان جایگاهشان دوزخ است، و (دوزخ) بد سرانجامی است.

طبق دیدگاه مراغی، از این آیه به خوبی فهمیده می‌شود که در یک وضعیت اجتماعی ظالمانه که روابط سیاسی، اقتصادی و اخلاقی آن بر مبنای ظلم و تجاوز و تعدی به حقوق عمومی استوار شده باشد، افراد حق مسامحه و تغافل ندارند و نمی‌توانند به بهانه استضعاف، در آن جامعه هضم شوند؛ بلکه در چنین شرایطی هجرت یک تکلیف است (مراغی، بی‌تا: ج ۵، ص ۱۳۲). فیض کاشانی، (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۴۹۰) و مغنیه معتقد است که بر اساس این آیه و آیه ۱۹۵ آل عمران، فقها بر حرام بودن اقامت گزیدن در سرزمینی که در آنجا شخص نتواند به انجام وظایف دینی و شعائر اسلامی بپردازد، فتوا داده‌اند؛ هرچند آن سرزمین وطن وی بوده و در آنجا اموال و منافع داشته باشد (مغنیه، ۱۴۲۴: ج ۲، ص ۲۳۳).

علاوه بر آیات قرآن کریم، موضوع هجرت در راستای تقویت دین، در روایات نیز مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«هرکس برای (حفظ) دین خود از سرزمینی به سرزمین دیگر بگریزد؛ اگرچه به اندازه وجبی باشد، سزاوار بهشت گردد و از زمره دوستان ابراهیم علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله به شمار آید»^۱ (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۵۴۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۵۵).

با توجه به آنکه ماندن در سرزمین کفر به دلیل حرص و آز در حفظ مال و مصالح و یا عافیت طلبی و عدم تحمل سختی‌های هجرت، مصداق روشنی از ظلم بر خویشان بیان شده است، می‌توان گفت: ترک سرزمین

۱. «من فر بدینه من ارض الی ارض و ان کان شبرا من الأرض استوجب الجنة و کان رفیق محمد و ابراهیم علیهما السلام».

اسلامی به جهت مال اندوزی و رفاه طلبی، در صورتی که دین و عقیده آدمی را به خطر اندازد، ظلمی عظیم بر خویشتن است.

در داستان اصحاب کهف آمده است^۱ که آن افراد برای ثابت قدم ماندن بر توحید، از قوم خود کناره گیری کردند. بیان اعتزال اصحاب کهف از جامعه شرک و مردم مشرک، در حقیقت، بیان الگو و رهنمودی برای موحدان و مؤمنان است که به هنگام تعارض، حفظ ایمان را بر ماندن در جامعه کفر ترجیح داده و مهاجرت نمایند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ج ۱۰، ص ۲۳۹).

آیات دیگری^۲ نیز بر اهمیت و ضرورت و حتی گاه بر وجوب هجرت در سبک زندگی مؤمنانه برای حفظ دین و عقیده دلالت می کنند؛ تا آنجا که هجرت به عنوان یکی از اوامر و دستورات مؤکد الهی عنوان می شود که هر چند عمل بدان از امور سخت خوانده شده، اما نشان دهنده ایمان حقیقی و اخلاص است.

ب) هجرت برای طلب علم

دومین عامل زمینه ساز هجرت در سبک زندگی قرآنی، مسئله مهم کسب علم و ترجیحا تلاش در راستای کسب علوم دینی است. منابع روایی شیعه و اهل سنت روایات بسیاری را در زمینه کسب علم و دانش و اهمیت آن نقل کرده اند^۳ و در آیات قرآن کریم، آیه نقر به صراحت به این موضوع پرداخته و مهاجرت به جهت تفقه در دین را وظیفه گروهی از مسلمانان در هر طایفه و قبیله دانسته است.

خداوند در این آیه شریفه می فرماید: ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾؛ و شایسته نیست مؤمنان همگی (برای جهاد) کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه ای از آنان، دسته ای کوچ نمی کنند تا (دسته ای بمانند و) در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند؛ باشد که آنان (از کیفر الهی) بترسند (توبه: ۱۲۲).

درباره این آیه مفسران وجوه مختلفی را بیان داشته اند؛ از جمله اینکه شایسته نیست همه مسلمانان به سوی میدان نبرد رهسپار شوند؛ بلکه باید برخی از آنان به مدینه الرسول آمده و احکام را از آن حضرت بیاموزند. علامه طباطبایی ضمن پذیرش این وجه، وجوه دیگر را دور از سیاق آیه دانسته و معتقد است:

«وظیفه کوچ کردن برای جهاد، از طلبه علوم دینی برداشته شده است و آیه شریفه به خوبی

بر این معنا دلالت دارد» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۹، ص ۴۰۴).

به نظر می رسد که در آیه مبارکه دلیل روشنی بر وجوب تعلیم و تعلم در مسائل اسلامی و تحصیل علم و

۱. ﴿وَ إِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يُعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا﴾؛ کهف: ۱۶.

۲. نساء: ۶۶ و ۸۹؛ عنکبوت: ۵۶.

۳. ر.ک: کافی، ج ۱، «ابواب العلم...»، «کتاب فضل العلم»، ص ۳۰؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۶۲.



پیش نهاد علوم اسلامی شده تا مردم باسرازشان...

معرفت در عقاید و احکام باشد؛ که هم تحصیل را واجب کرده است و هم آموزش دادن آن را. در واقع همواره باید گروهی از مسلمانان، به عنوان انجام یک واجب کفایی به تحصیل علم و دانش در زمینه تمامی مسائل اسلامی پرداخته و پس از آن، برای تبلیغ احکام اسلامی و آموزش علوم دینی، به مناطق دیگر سفر کنند (مراغی، بی تا: ج ۱۱، ص ۴۸).

همچنین است در آیه ۱۰۰ سوره مبارکه نساء که می فرماید: «و هر که در راه خدا هجرت کند، در زمین اقامتگاه‌های فراوان و گشایش‌ها خواهد یافت؛ و هر کس (به قصد) مهاجرت در راه خدا و پیامبر او، از خانه‌اش به درآید، سپس مرگش فرارسد، پاداش او قطعاً بر خداست، و خدا آمرزنده مهربان است».

تفسیر این آیه، به طالبان علم نیز تعمیم داده شده است. آنان که برای کسب علم و معارف اسلامی، از شهر و وطن خویش مهاجرت می کنند و هدفشان از آموزش علم و دانش، رفع نیازهای اسلامی است و حتی اگر کسی رشته‌ای دیگر برگزیند، به آن جهت که جامعه اسلامی به متخصصان علوم مختلف نیاز دارد و هدفش رفع یک نیاز اسلامی باشد نیز مصداق این آیه بوده و مهاجر الی الله و رسوله است (مطهری، ۱۳۸۴: ص ۱۶۰).

در روایات مختلف نیز به مسئله هجرت برای کسب علم اشاره شده است.
حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«کسی که در طلب علم می رود، همچون کسی است که در راه خدا جهاد می کند. همانا طلب علم بر هر مسلمان واجب است و چه بسیار مؤمنی که در طلب علم از خانه خود بیرون می رود و باز نمی گردد؛ مگر اینکه گناهایش آمرزیده است»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۷، ص ۲۷؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۱۰).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

به دنبال طلب دانش بروید؛ اگرچه با سفر به چین باشد^۲ (طبرسی، ۱۳۸۵: ص ۱۳۵).

در شرح این روایت آمده است: علم را طلب کنید؛ هر چند با سفر به شهرهای دور مثل چین و ماچین باشد. این مطلب کنایه از آن است که در تحصیل علم به هیچ وجه عذر، مسموع نیست و دوری معلّم از متعلّم، بهانه‌ای بر ترک آن مهم نمی شود (شهید ثانی، ۱۳۷۷: ص ۳۸۵).

با توجه به آنچه گفته شد، هجرت علمی در صورتی بر سبک زندگی اسلامی منطبق است که در راه خدا بوده و برای تقویت جامعه اسلامی و رفع نیازهای آن صورت پذیرد و لازمه این امر آن است که محصلان و

۱. الشَّاحِصُ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ كَمُ مِنْ مُؤْمِنٍ يُخْرَجُ مِنْ مَنْزِلِهِ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَلَا يَرْجِعُ إِلَّا مَغْفُورًا.

۲. اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصِّينِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.

متخصصان پس از اتمام علم‌آموزی به اوطان خود بازگردند و این امر، هم مهاجرت‌های داخلی را شامل می‌شود و هم مهاجرت‌های خارجی را؛ اگرچه مسائل مادی و اقتصادی تنها علت مهاجرت‌های علمی بی‌بازگشت نیست؛ اما به طور مسلم جاذبه شرایط مادی کشورهای توسعه‌یافته، نقش اساسی در مهاجرت‌های دائمی متخصصان کشورهای جهان سوم، ایفا می‌کند (وقوفی، ۱۳۸۰: ص ۱۲۹).

ج) هجرت برای جهاد

اسلام شرط ضروری حرکت یک ملت به سوی تمدن و تعالی و تکامل را سه اصل مردم، ایدئولوژی (دین) و رهبر عنوان کرده و خداوند عنصر چهارم را هجرت و جهاد می‌داند و تأکید اسلام بر آن است که اگر ایدئولوژی، رهبر و هجرت، بدون جهاد باشد، سرانجام منجر به تن دادن به بندگی جباران خواهد شد. ذکر بیش از ۷۰ مرتبه این دو کلمه و وجود ده‌ها روایت در این باب، اهمیت و نقش این دو عنصر را در تمدن آشکار می‌سازد (رادمنش، ۱۳۶۱: ص ۲۹۳). در آیات بسیاری مسئله هجرت و جهاد در کنار هم مطرح شده‌اند؛ بررسی این آیات بیانگر آن است که مسلمانان باید فرمان خدا و رسول ﷺ را اجابت کرده و به ترک خانه و کاشانه و اوطان خود بپردازند و برای به جای آوردن فریضه مهم جهاد، رهسپار میدان نبرد شوند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛ آنان که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و راه خدا جهاد کرده‌اند، به رحمت خدا امیدوارند، خداوند آمرزنده مهربان است (بقره: ۲۱۸).

مضمون آیه یک حکم کلی است برای اهل ایمان و آنان که در راه خدا و برای پیشبرد دین خدا از دیار خود مهاجرت کرده و به جنگ می‌روند (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۳۹۸) و این ایمان واقعی و یقین حقیقی است که راه هجرت و جهاد فی سبیل الله را به روی انسان باز می‌کند و دور شدن از وطن برای حفظ دین و جهاد در راه حق را بر انسان آسان می‌نماید و چنین ایمانی است که راه بازگشت به شرك و کفر و جاهلیت را به روی انسان می‌بندد؛ همان‌طور که در آیه ۷۴ سوره مبارکه انفال نیز به اهمیت هجرت و جهاد اشاره شده است: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾؛ و کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا به جهاد پرداخته، و کسانی که (مهاجران را) پناه داده و یاری کرده‌اند، آنان همان مؤمنان واقعی‌اند، برای آنان بخشایش و روزی شایسته‌ای خواهد بود.

آیه شریفه مذکور و آیه ۲۱۸ سوره مبارکه بقره، مضمونی مشابه هم دارند و می‌توان این آیات را ناظر بر هجرت برای جهاد دانست (حکیمی و همکاران، ۱۳۹۵: ج ۱۲، ص ۵۵۳).

همچنین در آیه ۸۳ سوره مبارکه توبه آمده است: ﴿إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾. «نفر» بر وزن (شهر) دور شدن از چیزی و شتافتن به سوی چیزی است و «نفر إلى الحرب» یعنی به سوی جنگ روی آورد



(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۸۱۷). صاحب التحقیق در معنای این واژه با اشاره به آیه مذکور می‌گوید: «نُفْر» خروج از وطن و حرکت به سوی نبرد در راه خداست (مصطفوی، ۱۴۳۰: ج ۱۲، ص ۲۱۶). علاوه بر معنایی که از نُفْر بیان شد، اکثر مفسران نیز مقصود از «نُفْر در راه خدا» را سفر برای جهاد تفسیر کرده‌اند (ر.ک: حسینی شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳: ج ۵، ص ۸۸؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ج ۱۱، ص ۱۱۱؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ج ۳، ص ۳۳۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۹، ص ۲۷۸) و با توجه به معنایی که از هجرت ارائه گردید، این آیه را می‌توان از آیات ناظر بر هجرت برای جهاد شمرد.

دین اسلام از جنبه اجتماعی بر دو پایه هجرت و جهاد استوار است و قرآن کریم از این دو پشتوانه با تقدیس یاد کرده و مهاجران و مجاهدان را بسیار گرامی می‌دارد؛ حال اگر کسی هم مهاجر باشد و هم مجاهد، پاداش مضاعف دارد؛ چرا که چنین فردی برای نجات ایمان جامعه، از خانه و شهر خود حرکت کرده و به نبرد با دشمنان اسلام می‌رود. در منطق قرآن حسین بن علی علیه السلام هم مهاجر است و هم مجاهد (مطهری، ۱۳۸۴: ص ۱۶۰).

د) هجرت برای ارتقای کیفیت زندگی (هجرت اقتصادی)

مهاجرت در فرهنگ اجتماعی کنونی معنایی متفاوت از هجرت در عرف دینی دارد. در عرف جامعه‌شناختی مهاجرت به حرکت مردم از یک نقطه جغرافیایی به نقطه دیگر اطلاق می‌شود که به مهاجرت داخلی و مهاجرت بین‌المللی تقسیم می‌گردد و مقصود از اقوام مهاجر، اقوامی هستند که به دلیل شغلی و حرفه و معیشتی نظیر کار و تجارت و یا علل طبیعی چون سیل و زلزله و کمبود مواد غذایی در یک منطقه، به منطقه دیگری کوچ کرده و ساکن شده‌اند. در واقع، از منظر جامعه‌شناسی، انسان‌ها اساساً برای یافتن فرصت‌های زندگی بهتر و سازنده‌تر اقدام به مهاجرت می‌کنند (کونن، ۱۳۷۴: ص ۲۱۵).

امام علی علیه السلام در وصیت به فرزندشان امام حسن علیه السلام فرمودند:

«مؤمن ناگزیر باید برای سه کار به پا خیزد (و اگر لازم شد، سفر کند)؛ از جمله بهبود بخشیدن به معاش خود (و اقتصاد در زندگی) و گام برداشتن در راه معاد و کامیابی بر وجه حلال»^۱ (طوسی، ۱۴۱۴: ص ۱۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۸۸).

حضرت در این عبارت اشاره دارند که انسان عاقل مشقت و سختی سفر را نمی‌پذیرد و تحمل نمی‌کند؛ مگر برای امر مهمی چون اصلاح وضعیت معاش خود و بهبود شرایط اقتصادی خانواده‌اش (خوبی، ۱۴۰۰: ج ۲۱، ص ۴۷۸). همچنین در کلمات قصار امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه آمده است:

«بهترین شهرها برای تو آن است که در آن زندگی‌ات در آسایش است»^۲ (صبحی صالح، ص ۵۵۴).

۱. «لَيْسَ لِلْمُؤْمِنِ بُدٌّ مِنْ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا فِي ثَلَاثٍ مَرَمَةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ خُطْوَةٍ لِمَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ».

۲. «لَيْسَ بَلَدٌ بِأَحَقَّ بِكَ مِنْ بَلَدٍ خَيْرِ الْبِلَادِ مَا حَمَلَكَ».



ممکن است وضعیت زندگی انسان در سرزمینی که بدان انس و الفت دارد، به سختی بگذرد و انسان مجبور به کوچ کردن به سرزمینی دیگر شود؛ اما هجرت از تکالیف سخت بوده و برای بسیاری از مردم ترک وطن از دشوارترین کارهاست. در واقع این کلام حضرت در دلداری دادن به مهاجران است و بیان می‌دارد که بهترین سرزمین آنجایی است که انسان در آن آسایش و راحتی داشته، وضعیت معاشش بهبود یافته و به راحتی خود را برای آخرت آماده کند (خویی، ۱۴۰۰: ج ۲۱، ص ۵۱۵).

با مطالعه تاریخ انبیا و هجرت‌های مختلفی که آن بزرگ‌مردان در طول حیات خود داشته‌اند، روشن می‌گردد که هرچند هدف اصلی در بیشتر این مهاجرت‌ها گسترش دعوت و انجام رسالتشان بوده، اما گاه اهداف مادی نیز موجبات این هجرت‌ها را فراهم آورده است؛ از جمله هجرت حضرت یعقوب علیه السلام و پسرانش، که به جهت قحطی در سرزمین کنعان به مصر اتفاق افتاد (بلاغی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۱۹۷) و یا درباره علت‌های مهاجرت حضرت ابراهیم علیه السلام به حجاز که در این زمینه گفته‌اند: کسانی که همراه وی بودند، چراگاه‌هایی را جست‌وجو می‌کردند، از این‌رو، چنان‌که در سفر پیدایش آمده، ابراهیم علیه السلام همراه آنان همواره رو به جنوب پیش می‌رفت. البته به جز این انگیزه‌های دنیایی، انگیزه‌های دینی، از جمله یافتن مکان مناسب برای ساختن عبادتگاهی برای خدا نیز، ابراهیم را به سفر جنوب فرا می‌خواند (بیومی مهران، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۱۱۵).

۳. آثار و کارکردهای هجرت

به دلیل سختی‌ها و خطرات بسیاری که در مهاجرت وجود دارد، ممکن است مؤمنان به این امر اقدام نکرده و خود را از آن معذور بدانند؛ از این جهت خداوند متعال در آیات بسیاری به اجر و پاداش مهاجران در آخرت و برخورداری از مواهب و نعمت‌ها در دنیا اشاره کرده و در واقع با این‌گونه ضمانت‌ها، آنان را بر انجام این امر مهم اطمینان می‌بخشد.

الف) آثار دنیوی هجرت

هجرت، همان‌گونه که در زندگی یک مؤمن از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار است، عمل به آن نیز آثار و برکات دنیوی فراوانی را برای وی به دنبال خواهد داشت؛ از جمله:

یک) گشایش در روزی و بهره‌مندی از مواهب دنیوی

هرچند که به تصریح قرآن کریم، توسعه و تنگی روزی در دست خداست؛ اما تلاش انسان و وارد شدن از راه‌های صحیح، در کثرت روزی بی‌تأثیر نیست و بر اساس آیات و روایات، عوامل متعددی موجب افزایش رزق و روزی و برکت در مال می‌شود. یکی از عواملی که موجب گشایش در روزی می‌شود، اما کمتر به آن توجه شده، مهاجرت در راه خداست؛ همان‌گونه که در این آیه به‌وضوح بدان اشاره شده است: ﴿وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَ سَعَةً وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ يَدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾؛ و هرکس در راه خدا هجرت



کند، در زمین اقامتگاه‌های فراوان و گشایش‌ها خواهد یافت، و هر س (به قصد) مهاجرت در راه خدا و پیامبر او، از خانه‌اش به درآید، سپس مرگش در رسد، پاداش او قطعاً بر خداست، و خدا آمرزنده مهربان است (نساء: ۱۰۰).

طبرسی ﴿يَجِدُ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَ سَعَةً﴾ را این‌گونه معنا کرده است:

«در روی زمین جاها و جولانگاه‌های بسیار و گشایشی در روزی به دست خواهد آورد»

(طبرسی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۱۵۲).

مراغی نیز ذیل آیه می‌نویسد: قدرت و ثروت تنها اختصاص به وطن انسان ندارد؛ بلکه ممکن است در مواردی با سفر به سرزمین دیگر، آسایش و گشایش در روزی حاصل شود و شرط اصلی محقق شدن این وعده الهی آن است که در راه خدا باشد؛ به این معنا که هجرت باید برای کسب رضای الهی و اقامه دین او صورت پذیرد و این همان هجرت معتبر در اسلام بوده که عامل بهره‌مندی از نعمت‌های دنیوی و پاداش اخروی خواهد بود؛ نه هرگونه هجرتی که برای نجات از سختی‌ها، برای ارضای شهوات و لذایذ و یا هر امری از امور دنیایی باشد (مراغی، بی تا: ج ۵، ص ۱۳۲).

مصادیق نعمت، با توجه به بینش‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد. اگر انسان و جهان را مادی قلمداد کنیم، زندگی انسان منحصر در این دنیا شده و در نتیجه، آسایش و لذت نیز در امور مادی دنیایی خلاصه می‌گردد؛ درحالی‌که بر اساس جهان‌بینی قرآنی، انسان و جهان دارای دو بعد مادی و مجرد است و انسان پس از چند صباحی زندگی در این دنیا، در آخرت تا ابد زنده خواهد بود. در این صورت، آسایش و راحتی و لذت، در امور مادی دنیایی منحصر نمی‌شود. با این نگاه، چیزی نعمت است که موجب آسایش و راحتی در این دنیا و آخرت شود و در مجموع، لذت‌های مادی و معنوی در دنیا و آخرت را افزایش دهد (میرمعزی، ۱۳۹۴، ص ۳۵۵ و ۳۵۶)؛ هرچند به تصریح آیات مختلف، نعمت‌های الهی همواره شامل حال بندگان بوده است؛ اما یکی از عواملی که موجب افزونی نعمت‌ها می‌شود، تن دادن بر ترک خانه و کاشانه و تحمل سختی‌های هجرت در راه خداست. ﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾؛ و کسانی که پس از ستم‌دیدی، در راه خدا هجرت کرده‌اند، در این دنیا جای نیکویی به آنان می‌دهیم، و اگر بدانند، قطعاً پاداش آخرت بزرگ‌تر خواهد بود (نحل: ۴۱). فخر رازی حسنه دنیایی را که به مهاجران تعلق می‌گیرد، فتح و پیروزی و نجات از ذلت و زیردستی کفار معنا کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۵، ص ۳۵۰ و ج ۲۰، ص ۲۱۹) و سید قطب، شهر خوبی را که خداوند در ازای ترک سرزمینشان، نصیبشان خواهد کرد، مصداق حسنه در آیه شریفه دانسته است (سید بن قطب، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۲۱۷۲) علامه طباطبایی این دو تفسیر از ﴿لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً﴾ را یکی دانسته و معتقد است که نعمت دنیایی، مجتمع صالحی است که در آن مجتمع، جز خدا کسی پرستش نشود، و جز عدل و احسان



چیزی حکومت نکند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۲، ص ۲۵۵). در واقع علامه به توضیح دلیل خوب بودن شهری که نصیبشان می‌شود پرداخته و آن را تشکیل حکومت اسلامی می‌داند که این خود بزرگ‌ترین پیروزی برای مهاجران است. اما برخی دیگر آن را مجموعه‌ای از مواهب دنیایی همچون تمکن در بلاد، فرمانروایی و حکمرانی و در واقع پیشوایی و رهبری مؤمنان معنا کرده‌اند (مراغی، بی تا: ج ۱۴، ص ۱۶۷).

نعمت هر چیزی است که آسایش و راحتی را به دنبال داشته باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۴۴۶). آسایش با از بین رفتن سختی‌ها و بر وفق مراد شدن امور به دست می‌آید. خداوند متعال در داستان اصحاب کهف، به دلیل هجرت و دوری آنان از عبادت غیر، همین نعمت، یعنی از بین رفتن سختی‌ها و آسان شدن امور را به ایشان وعده داده است: ﴿وَ إِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا﴾؛ و چون از آنها و از آنچه که جز خدا می‌پرستند، کناره گرفتید، پس به غار پناه جوید، تا پروردگارتان از رحمت خود بر شما بگستراند و برای شما در کارتان گشایشی فراهم سازد (کهف: ۱۶).

دو) تقویت ایمان و سودمندی در دنیا

اوامر و نواهی الهی بر پایه مصالح و مفاسد انسان‌ها جعل شده است و ثبات و پایداری در ایمان، از نتایج عمل به احکام و مواعظ الهی است. در آیه ۶۶ سوره مبارکه نساء، ترک وطن به‌عنوان یکی از دستورات و احکام الهی که به‌صورت اندرزی بیان شده است و هرچند ممکن است وابستگی انسان به خویش، شهر و دیار مانعی جهت تسلیم در برابر فرمان الهی باشد، اما عمل به آن، نفوس و دل‌ها را برایمان استوارتر کرده و موجب تقویت ایمان و سودمندی در دنیا و آخرت خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۴۵۷).

﴿وَ لَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَ لَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ أَشَدَّ تَنْبِيئًا﴾؛ و اگر بر آنان مقرر می‌کردیم که تن به کشتن دهید، یا از خانه‌های خود به در آید، جز اندکی از ایشان آن را به کار نمی‌بستند؛ و اگر آنان آنچه را بدان پند داده می‌شوند، به کار می‌بستند، قطعاً برایشان بهتر و در ثبات قدم ایشان مؤثرتر بود (نساء: ۶۶).

هرچند محور اساسی در سبک زندگی قرآنی، ایمان است؛ اما قرآن کریم بارها ایمان و عمل صالح را در کنار یکدیگر قرار داده است. بی‌گمان میان آن دو پیوند دوسویه‌ای وجود دارد و همان‌گونه که ایمان زمینه‌ساز کردار شایسته و نیک است، عمل صالح نیز ایمان را بارور ساخته و در ارتقای آن تأثیرگذار است. سبک زندگی مؤمنانه همواره باید با عمل شایسته همراه باشد؛ وگرنه انسان در زیان‌کاری خواهد بود^۱ (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶: ص ۲۳۹).

۱. ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾؛ عصر: ۲-۳.



پیش‌نمایش علوم آسان اسلامی شادمانه و لذت‌بخش، با آموزش آسان ۱۴۰۰

ب) آثار اخروی هجرت

(یک) علو منزلت نزد پروردگار و شمول رحمت الهی

«رحمت الهی» مفهوم وسیعی دارد که دنیا و آخرت را دربر می‌گیرد؛ برای خدای تعالی دو قسم رحمت است: یکی رحمت عام خدا که شامل همگان می‌شود و آن رحمت خلقت و رزق و غیر آن است؛ و رحمت خاص که خود موهبتی است که خداوند آن را تنها به کسانی می‌دهد که دارای ایمان و عبودیت باشند، اطاعت از فرامین الهی انسان را تحت پوشش رحمت خاص خدا قرار می‌دهد و این امر مهم به‌عنوان یکی از فرامین الهی خطاب به مسلمانان بیان شده است که در برخی از آن آیات مبارکه نوید رحمت به مهاجران داده می‌شود.^۱

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ... بِبَشْرِهِمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ...﴾ ؛ آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا به جهاد برخاستند... پروردگارشان آنان را نزد خود به رحمت و خشنودی و بهشت‌هایی که برای آنان در آنها نعمت‌های پایدار است، مژده می‌دهد (توبه: ۲۱-۲۱).

در آیه دیگر امید به رحمت را مشروط به ایمان، هجرت و جهاد عنوان کرده و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ...﴾ ؛ همانا کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند... (بقره: ۲۱۸).

چون در آیات شریفه، عموم لفظ موردنظر می‌باشد نه خصوص سبب، بنابراین تمام کسانی را که در هر عصر و زمانی متصف به این صفات سه‌گانه باشند، دربر می‌گیرد (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۸۸).

خداوند در جای دیگر متصفین به این صفات را به درجات والا و رستگاری وعده داده و می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ ؛ کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جان‌شان به جهاد پرداخته‌اند، نزد خدا مقامی هرچه والاتر دارند و اینان همان رستگاران اند (توبه: ۲۰).

انسان مجموعه‌ای از روح و جسم و مال است. روح که به‌وسیله ایمان حقیقی از کفر و شرک پاک شده و این‌گونه به سعادت می‌رسد و اما جسم و مال که به‌وسیله هجرت و جهاد در معرض نقصان و هلاکت قرار می‌گیرند و شکی نیست که مال و جان بیش از هر چیزی برای انسان محبوب و عزیز است؛ پس از آنها نمی‌گذرد؛ مگر برای رسیدن به مطلوب و محبوبی برتر و کامل‌تر از آن محبوب اول و قطعاً طلب رضوان و خشنودی خداوند برتر از مال و جسم انسان است. پس حصول این ویژگی‌ها (ایمان، هجرت، و جهاد با مال و جان و جهاد با نفس) انسان را به عالی‌ترین درجات بشریت می‌رساند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۶، ص ۱۳) و در

۱. در اینجا به دو مورد از آیات اشاره می‌شود؛ اما لازم به ذکر است که آیات ۱۱۷ سوره توبه و ۴۹ و ۵۰ سوره مبارکه مریم نیز مؤید همین مطلب است.



محاسبات الهی، هجرت در کنار ایمان، و جهاد در رأس همه ارزش‌هاست و رستگاری در سایه آنها محقق می‌گردد و برخوردار از رحمت و رضوان بهشت که در آیه به‌عنوان پاداش بیان شده، نمودی از فوز و رستگاری است (قرآنی، ۱۳۸۳: ج ۳، ص ۳۹۵).

دو) پوشش گناهان و داخل شدن در بهشت

بخشودگی گناهان از جانب خداوند، به خاطر عواملی است که در آیات مختلف بدان اشاره شده است؛ از جمله ایمان که در برخی از آیات به تنهایی و در برخی دیگر به همراه اعمال صالح و یا تقوا، عامل پوشش گناهان شمرده شده است. از جمله اعمال صالحی که در آیات بسیاری^۱ عامل آمرزش گناهان خوانده شده، مهاجرت در راه خداست: ﴿فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قَاتَلُوا لَا كُفْرَانَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ...﴾؛ آنها که در راه خدا هجرت کردند و از خانه‌های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند و جنگ کردند و کشته شدند، به یقین گناهانشان را می‌بخشم... (آل عمران: ۱۹۵).

آیه ۷۴ سوره انفال بار دیگر بر اهمیت مقام مهاجران و انصار و موقعیت و تأثیر و نفوذ آنها در پیشبرد اهداف جامعه اسلامی تکیه کرده و از آنها این‌گونه تقدیر می‌کند: ﴿وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ﴾؛ و کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا به جهاد پرداخته، و کسانی که (مهاجران را) پناه داده و یاری کرده‌اند، آنان همان مؤمنان واقعی‌اند، برای آنان بخشایش و روزی شایسته‌ای خواهد بود.

در آیه بعد، به چهارمین گروه مسلمانان، یعنی «مهاجران بعدی» اشاره کرده و می‌فرماید: آنها که بعد از این ایمان بیاورند و هجرت کنند و با شما در جهاد شرکت جویند، نیز از شماست؛ یعنی جامعه اسلامی يك جامعه مداربسته و انحصاری نیست؛ بلکه درهائش به سوی همه مؤمنان و مهاجران و مجاهدان آینده نیز گشوده است؛ هر چند مهاجران نخستین، مقام و منزلت خاصی دارند؛ ولی این برتری به آن معنا نیست که مؤمنان و مهاجران آینده که در زمان نفوذ و پیشرفت اسلام به آن گرویدند و به سوی آن آمدند، جزء بافت جامعه اسلامی نباشند (مراغی، بی‌تا: ج ۱۰، ص ۴۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ج ۳، ص ۵۱۵؛ سید بن قطب، ۱۴۱۲: ج ۳، ص ۱۵۶۰). در واقع هجرت شرط ملحق شدن به مؤمنان حقیقی است و در کنار فریضه مهمی چون جهاد، از مسئولیت‌های یک مسلمان خوانده شده است و خداوند متعال در این آیه مبارکه به مهاجر و مجاهد وعده داده که اگر به خاطر هجرت و جهاد، از رزق اندک بگذرند، به رزق کریم و شایسته الهی خواهند رسید (قرآنی، ۱۳۸۳: ج ۳، ص ۳۶۶) و بر اساس آیات دیگر، اسباب ورود به بهشت و جاودانگی در آن، برای آنان فراهم خواهد شد: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ... يَسْتُرُهُمْ رَبُّهُمْ... وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ * خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾؛ کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و... پروردگارش آنان را از جانب خود، به رحمت

۱. آیه ۲۱۸ سوره مبارکه بقره و ۱۱۰ سوره نحل نیز بر همین امر اشاره دارد.

و خوشنودی و باغ‌هایی (در بهشت) که در آنها نعمت‌هایی پایدار دارند، مژده می‌دهد (توبه: ۲۰-۲۱).
 در آیه‌ای دیگر خداوند می‌فرماید: تمام کسانی که در راه خدا هجرت کرده و اقوام کافر خود را رها کردند
 و از خانه و وطن خود بیرون رانده شده و در راه اطاعت و عبادت خدا آزار دیده‌اند... به طور مسلم آنها را در
 بهشتی جای می‌دهم که از زیر درختان آن، نهرها در جریان است و مملو از انواع نعمت‌هاست. در واقع
 هجرت، تبعید و تحمّل آزار در راه خدا، زمینه‌های عفو خداوند و دخول در بهشت خوانده شده و اگرچه علاقه
 به وطن، يك حق پذیرفته شده قرآنی است و گرفتن این حق، ظلم است؛ اما برای پیمودن راه خدا، هجرت،
 تبعید، شکنجه و... لازم است (قرآنی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۶۸۰).

گاه انسان زندگی را از منظر تولد تا مرگ می‌بیند و گاه آن را فرادنیوی می‌نگرد؛ یعنی زندگی دنیوی و مادی
 را بخشی از زندگی طولانی بشر در نظر می‌گیرد. در این نگرش، اصول سبک زندگی تغییر کرده و توسعه
 می‌یابد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶: ص ۱۹۸). در سبک زندگی معتقدان به قرآن، تمامی اعمال و کردار باید تنها
 برای رضای خدا و با در نظر داشتن آثار و نتایج اخروی آنها صورت پذیرد.

نتیجه‌گیری

اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین الهی در ابعاد مختلف، مسئله هجرت را مطرح کرده و بر ضرورت آن تأکید نموده است. از آنجا که مهم‌ترین منبع برای شناخت دین اسلام، قرآن کریم است، فهم دقیق هجرت به‌عنوان یکی از دستورات مهم در تعالیم دینی در سبک زندگی مؤمنانه، از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اهمیت و ضرورت با توجه به کثرت تکرار آن در آیات و عوامل متعددی که از زمینه‌های مهاجرت در تفاسیر فریقین عنوان شده است، روشن می‌شود؛ از جمله حفظ دین و عقیده که از مهم‌ترین عوامل مهاجرت بوده و گاه موجب وجود هجرت می‌گردد؛ چرا که فرد مسلمان هر زمان نتواند در سرزمین خود عقاید و آرای توحیدی خویش را آزادانه اظهار کرده و به فرایض و واجبات و سنن دینی اش، جامه عمل بپوشاند، باید به سرزمین دیگری رهسپار شود. مهاجرت برای طلب علم و به‌خصوص علم دین، طلاب علوم دینی را موظف می‌سازد که پس از اتمام دوره علم‌اندوزی به موطن خود بازگشته و به آموزش علوم دینی و تبلیغ احکام اسلامی بپردازند؛ در اینجا بر فرد دو هجرت لازم است. جهاد بر اساس آیات متعدد، از دیگر عوامل هجرت خوانده شده است. همچنین ترک وطن در راستای کسب روزی و ارتقای اقتصادی خانواده، نوع دیگری از هجرت است که در روایات به آن اشاره شده است.

هجرت فواید و آثار مادی، معنوی، دنیوی و اخروی بسیاری را برای مهاجران فی سبیل الله به دنبال دارد. از جمله آثار دنیوی آن می‌توان به گشایش در روزی و بهره‌مندی از مواهب دنیایی و تقویت ایمان اشاره کرد. همچنین می‌توان به آثار اخروی متعددی همچون علو منزلت و مقام ایشان نزد پروردگار و شمول رحمت الهی، تکفیر سیئات و دخول در بهشت و فوز و رستگاری برای آن اشاره کرد.

مهاجران راستین، در قرآن کریم با صفات و ویژگی‌های نیکو یاد شده‌اند که هر یک از این صفات، علاوه بر آنکه به تنهایی از اهمیت و جایگاه والایی برخوردارند، به‌نوعی با یکدیگر دارای پیوند عمیق و دوسویه هستند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از صدق، صبر، اخلاص، جهاد، ایثار و توکل. یک مهاجر واقعی بدون دارا بودن این صفات ویژه، هرگز به مقصد نخواهد رسید و این موضوع آن زمان اهمیت و ضرورت می‌یابد که این مهاجر در مقام مبلغ دین بر این امر مهم اقدام کند. یک مبلغ مهاجر باید با اخلاص و در پیش گرفتن صدق و ایثار، بر مشکلات و سختی‌ها صبر نماید و به رحمت بی‌پایان خداوند امید داشته باشد.



فهرست منابع

- قرآن کریم (ترجمه فولادوند).
- نهج البلاغه (صبحی صالح).
۱. آگ برن، ویلیام فیلدینگ؛ نیم کوف، مایر فرانسیس (۱۳۸۰ش). *زمینه جامعه‌شناسی*، اقتباس: امیرحسین آریانپور، تهران، انتشارات گستره.
 ۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۳. بلاغی، عبد الحجت (۱۳۸۶ش). *حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر*، قم، انتشارات حکمت.
 ۴. بیومی مهران، محمد (۱۳۸۳ش). *بررسی تاریخی قصص قرآن*، مترجم: سیدمحمد راستگو، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
 ۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
 ۶. حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳ش). *تفسیر اثنا عشری*، تهران، انتشارات میقات.
 ۷. حسینی شیرازی، محمد (بی‌تا). *دروس من الهجره*، قم، مؤسسه تبیان.
 ۸. حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۹۵ش). *الحیاه*، دوم، قم، دلیل ما.
 ۹. خوبی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰ق). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، چهارم، تهران، مکتبه الإسلامیة.
 ۱۰. رادمنش، عزت‌الله (۱۳۶۱ش). *قرآن جامعه‌شناسی اتویا*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
 ۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
 ۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم.
 ۱۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۶ش). *سبک زندگی قرآنی (۱)*، قم، دفتر نشر معارف.
 ۱۴. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، سوم، بیروت، دار الکتب العربی.
 ۱۵. سیزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله (۱۴۰۶ق). *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
 ۱۶. سوئل، میشل؛ رُسی، پیتر (۱۳۹۵ش). «سبک زندگی، مصرف، و تجربه آمریکایی: کلیات تاریخی»، ترجمه: معصومه انصاری، فصلنامه علمی فرهنگی *طعم زندگی*، ۱(۲)، ص ۵۳-۸۲.
 ۱۷. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم (۱۳۹۵ش). *فی ظلال القرآن*، هفدهم، بیروت- قاهره، دارالشروق.
 ۱۸. شریفی، احمدحسین (۱۳۹۲ش). *سبک زندگی اسلامی ایرانی*، تهران، آفتاب توسعه.
 ۱۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۷۷ش). *شرح مصباح الشریعة*، ترجمه: عبد الرزاق گیلانی، تهران، پیام حق.
 ۲۰. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، دوم، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.
 ۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۲۲. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق). *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، دوم، نجف، المکتبه الحیدریة.



۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الأمالی*، مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة.
۲۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*، چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۲۶. عسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر أبو الفاضل (۱۳۷۹ش). *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، بیروت، دار المعرفة.
۲۷. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ش). *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، انتشارات رضی.
۲۸. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*، سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۹. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق). *تفسیر من وحی القرآن*، دوم، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر.
۳۰. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*، تصحیح: حسین اعلمی، دوم، تهران، انتشارات صدر.
۳۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش). *تفسیر نور*، یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۲. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷ش). *تفسیر احسن الحدیث*، سوم، تهران، بنیاد بعثت.
۳۳. کوئن، بروس (۱۳۷۴ش). *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، فرهنگ معاصر.
۳۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۵. مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا). *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۶. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، سوم، بیروت، دارالکتب العلمیة-مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴ش). *آزادی معنوی*، پانزدهم، تهران، صدرا.
۳۸. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). *تفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۴۰. میرمعزی، حسین (۱۳۹۴ش). «*درآمدی بر علم اقتصاد اسلامی (اقتصاد برکت)*»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، دوره ۲، ش ۵، ص ۳۴۹-۳۸۸.
۴۱. وقوفی، حسن (۱۳۸۰ش). *فرار مغزها*، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی زهد.
۴۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶ش). *تفسیر راهنما*، پنجم، قم، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)



